



ویژه فرهنگ و معارف رضوی

| سال اول | ویژه نامه ۱۵۶ |



در گفت و گوی معاون امور بین الملل مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) با قدس مطرح شد

اربعین؛ الگوی عملی برای صلح جهانی

۲

تازه های نشر

کربلا را به روایتی دیگر بخوانید

۳

بسیجیان بیمارستان رضوی در خدمت بیماران کرونایی

۴

دکتر سعید طاووسی از کتاب «شهید جاوید» می‌گوید

آغاز تحول در عاشورا پژوهی

۳

دیدگاه

اثر هیچ تبلیغی مثل اربعین نیست

۲

نیمکت زندگی

جوشانده یا واکسن؟ مسئله این است

رقیه توسلی | همکارم امروز کلی عجیب و غریب شده. زنگ به زنگ تلفن از دستش نمی‌افتد. از صبح سرش را کرده توی گوشی و بیرون نمی‌آید. صدایش می‌کنم. می‌خواهم بدانم ماجرا چیست. می‌پرسد: اول بگو قشنگ‌ترین قریون صدقه‌ای که بلد ی چیه؟
چیکی نگاهش می‌کنم که یعنی گیر آوردی! که جدی ادامه می‌دهد: داریم با صد ترفند پدربزرگ ومادربزرگم را راضی می‌کنیم واکسن بزنند. می‌دونی اعتقادی به دوا و دارو ندارن. می‌کن فقط جوشونده، غذای سالم، اعصاب آروم. حالا چند روزه داریم روشن کار می‌کنیم، ببینیم گفتاردرمانی و نوازش درمانی چه جوابی میده. خیلی ماهن به‌خدا، نانا! اما مخالف پزشکی‌ان. از وقتی مامانم زیر عمل از دستشون رفت، بی‌اعتماد شدن. می‌کن معالج فقط خداست حق هم دارن اما خب ما ناامید نمیشیم که. می‌خوام امروز از دوست متخصصی راهنمایی بگیرم. تلفنش دوباره زنگ می‌خورد. می‌رود، برمی‌گردد و فقط می‌خندد. بعد با رضایت و طیب خاطر می‌گوید: خانوم دکتر بود. التماس دعا داشت بنده خدا. می‌گفت اگر مشاور کاربلدی به تورم خورد شماره‌اش را بفرستم برایش. خودش هم انگار لنگ چند نفری بود توی قوم و خویشش که تعصب دارن واکسن بی واکسن. عجب قصه‌ای شده این کرونا! اما قول داد حتماً می‌آید. شاید قلق این‌ها گرفتنی‌تر باشد، خدا را چه دیدی. حرفش که تمام می‌شود بی هوا یاد خانمی می‌افتم که سر صبحی توی اتوبوس می‌گفت عذاب را خیلی دوست دارد. تازه و خشک ندارد. می‌گفت ارث است. این‌طور که دست خودش نیست و در تعریف و تعجید از آدم‌ها به سبک نیاکانش فقط می‌گوید: فلاّنی خیلی جوانمرد و عذاب است! حالا که با خودم فکر می‌کنم می‌بینم واقعاً بعضی دکترها و بعضی نوه‌ها خیلی مهربان و عذاب‌اند.
پی نوشت: «اللّهُمَّ ارْزِنِ الْحَقَّ حَقّاً حَتَّى آتِبَعَهُ وَ ارْزِنِ الْبَاطِلَ بِالْأُلْحَتَى أَجْتَبِيْهِ»
خدایا کمک کن حق را حق ببینم تا دنبال کنم و باطل را باطل ببینم که دوری کنم.

لنگ روزها

۱۰ بازار فراموش شده اطراف حرم مطهر

محمدرضا انصافی: دست‌کم ۱۰ بازار اصلی اطراف حرم امام رضا(ع) را می‌توان نام برد که امروزه نشانی از آن‌ها باقی نمانده است. این بازارها عبارت‌اند از: ۱- بازار بزرگ: بازاری که در حاشیه غربی حرم مطهر قرار داشت و از کنار مسجد گوهرشاد عبور می‌کرد. این بازار در سال ۱۳۵۴ تخریب شد. ۲- بازار قیصریه: تاریخ تخریب و مکان دقیق آن معلوم نیست، اما می‌دانیم تا اواسط دوره قاجار برقرار بوده است؛ این مسئله را می‌توان از معدود وقف‌نامه‌های باقی‌مانده درباره مغازه‌های بازار قیصریه دریافت. ۳- بازار حجاران: مشهور به

بازار آغچه (آغچه: نام یکی از همسران سلطان حسین بایقرا) که پیشتر در همین صفحه به آن اشاره شده است. این بازار بین صحن عتیق و قبرستان قتلگاه، در حدود ساختمان کتابخانه مرکزی فعلی قرار داشت و در سال ۱۳۵۴ تخریب شد. ۴- بازار کلاه‌دوزان اول: در مشهد دو بازار با عنوان کلاه‌دوزها وجود داشت که یکی از آن‌ها وقتی حاج ملاعلی قوچانی بود و در پشت آب‌انبار صحن کهنه(انقلاب) قرار گرفته بود که در سال ۱۳۵۴ تخریب شد. ۵- بازار وزیر نظام: محل فعالیت برازها بود و در سال ۱۳۵۴ تخریب شد. بعدها بخشی از رواق

دارالولایه و صحن جمهوری اسلامی را روی آن ساختند. ۶- بازار کفاشان: بین بازار بزرگ و بازار وزیر نظام قرار داشت و در سال ۱۳۵۴ تخریب شد؛ بخشی از رواق دارالولایه را روی این بازار ساخته‌اند. ۷- بازار زرگرها: از بازارهای معروف مشهد بود و بین صحن کهنه و نو قرار داشت و از آن می‌شد به هر دو صحن راه یافت. این بازار که موقوفه انیس‌الدوله همسر ناصرالدین‌شاه بود، در سال ۱۳۵۴ تخریب شد. ۸- بازار چهارسوق میدان مشهد: محل این بازار دقیقاً معلوم نیست و گویا اوایل دوره قاجار تخریب شده است؛ برخی معتقدند این

بازار در نزدیکی حمام قدیمی مهدقلی‌بیگ و در مجاورت بازار فرش فعلی قرار گرفته بود. ۹- بازار سنگ‌تراش‌ها: این بازار با بازار حجاران فرق می‌کرد و در ضلع غربی حرم مطهر قرار داشت. آن را در سال ۱۳۰۷ خراب کردند. ۱۰- بازار کلاه‌دوزان دوم: این بازار که مکان دقیق آن معلوم نیست، موقوفه ملاعلی ثنائینی بود و در کتاب‌هایی مانند مطلع‌الشمس و فردوس‌التواریخ به نام آن اشاره شده است. تاریخ تخریب این بازار هم مشخص نیست، ولی باید در نیمه دوم دوره قاجار اتفاق افتاده باشد.



عاشق‌رضا رضوی - مجلس خیریه‌ای

قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی برنامه‌ها،

نشان و شعار دهه آخرصفر را تشریح کرد

همه خادم الرضاییم؛ نجات انسان رسم مسلمانی

درنشست هماهنگی و هم‌افزایی دستگاه‌های اجرایی برای برپایی مراسم دهه آخر صفر، بر ضرورت ترویج شعار محوری «همه خادم الرضاییم» و تولید محتوای فرهنگی، معنوی و اجتماعی در ذیل این شعار تأکید شد.به گزارش آستان‌نیوز، قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی در این نشست گفت: بزرگ‌ترین افتخار آستان قدس رضوی خدمت به زائران امام رضا(ع) بوده و یکی از مهم‌ترین ایام این خدمت‌رسانی، دهه آخر ماه صفر است، به همین دلیل امسال برای این دهه شعار «همه خادم الرضاییم؛ نجات انسان، رسم مسلمانی» انتخاب شده تا یک بسیج عمومی به منظور توسعه خدمت‌رسانی در سراسر کشور شکل بگیرد.

مالک رحمتی با اشاره به اینکه «همه خادم الرضاییم؛ نجات انسان، رسم مسلمانی» شعار محوری آستان قدس رضوی در این روزها خواهد بود، افزود: همه ما خادم مردم هستیم و این شعار متناسب با شرایط حاضر انتخاب شده است...

درباره دودمان «کاکویه» و خدمات فراموش شده آن‌ها به مشهدالرضا(ع) در ۹۰۰ سال پیش

خادمان از یاد رفته

که روی سنگ مزار امام رضا(ع) نشانی از نام‌خاندان کاکویه‌نیست اما گزارش‌هایی تاریخی توسط نظامی عروضی در دست است که این موضوع را تأیید می‌کند و برخی از محققان معاصر مانند ایرج افشار به این مسئله باور دارند که دستور ساخت هر دو سنگ، توسط یک نفر صادر شده است.

■ **خاندان کاکویه و شهر مشهد**

خاندان کاکویه به دلیل علاقه‌ای که به ائمه(ع) داشتند، تلاش فراوانی برای رونق شهر مشهد و رفاه زائران کردند. در این بین، ماجرای سال ۵۱۰ قمری در مشهد موجب شد خاندان کاکویه، به نقش فعال‌تری در کارهای عمرانی شهر رو بیاورند. در این سال، ظاهراً در روز عاشورا، میان یکی از علمای مشهد و فردی ناصبی بر سر عزاداری کردن و حرمت حرم مطهر، بحثی در گرفت و چون آن ناصبی نتوانست از عهده پاسخ برآید، از شهر بیرون رفت و مناطق اطراف را که عموماً شیعه نبودند، علیه شیعیان شوراند. نتیجه این اقدام، هجوم آن‌ها به مشهد و در گرفتن جنگی با ریشه اختلاف‌های مذهبی بود.

از آنجا که شیعیان مشهد جمعیتی کمتری داشتند و از طرفی، شهر آن‌ها فاقد هر گونه استحکامات دفاعی بود، وضعیت بدی پیش آمد. دشمنان به راحتی وارد شهر شدند و دست به قتل‌عام زدند و حتی بخشی از حرم مطهر را ویران کرده و پس از غارت خانه‌های مردم، از مشهد خارج شدند. برخی از مورخان، اطلاق نام «قتلگاه» به گورستان بزرگ بخش شمالی حرم مطهر را که امروز نشانی از آن نیست، به این واقعه و زیاد بودن جنازه‌های مقتولان آن مربوط دانسته‌اند. این اتفاق، مصادف با زمانی بود که لشکر سلطان سنجر سلجوقی که برای جنگ با



■ **راز سنگ سفید مزار ثامن‌الحجج(ع)**

خاندان کاکویه، اصالتاً از اهالی دیلم، جایی در جنوب گیلان امروزی بودند که از سال ۳۹۸ تا ۵۳۶ قمری، بر بخش‌هایی از ایران حکومت کردند؛ هر چند که در این مدت، قدرت آن‌ها فراز و نشیب بسیار داشت؛ گاهی تحت نظارت حکومت‌های بزرگی مانند آل‌بویه یا سلجوقیان درمی‌آمدند و گاهی هم مستقل به حکمرانی می‌پرداختند. خاندان کاکویه شیعی مذهب بودند و البته

اقوام مهاجم راهی شرق خراسان بود، در منطقه «طُرُق» اردو زد و دست بر قضا، علاءالدوله علی بن فرامرز و فرزندش عضدالدین فرامرز بن علی در لشکر سلجوقیان حضور داشتند و از واقعه هجوم به مشهد مطلع شدند.

■ **برج و بارو**

کشتار مردم و بی‌حرمتی به بارگاه منور رضوی، خاندان کاکویه را به فکر انداخت که با اتخاذ تدبیری، مانع از حملات مشابه و چند باره شوند. این بود که با نظارت و همت فرامرز بن علی، ساخت بارو یا دیوار شهر مشهد مقدس، چند ماه پس از آن حمله وحشتناک آغاز شد و در سال ۵۱۵ قمری به پایان رسید.

این بارو، خیلی بزرگ نبود و ظاهراً حرم مطهر و بخش محدودی از محلات آن را در بر می‌گرفت؛ با این حال باید آن را نخستین سد ایجاد شده در برابر دشمنان و غارتگرانی بدانیم که به قصد جان مجاوران حرم مطهر رضوی و غارت نذورات این مکان مقدس، به آن هجوم می‌آوردند. با این حال، باروی خاندان کاکویه، یکی دو قرن بعد، کارکرد اصلی خود را از دست داد.

باروی جدید شهر به دستور شاه‌نهماسب صفوی ساخته شد و کار ساخت آن در سال ۹۴۰ قمری به پایان رسید. این بارو تا دوره معاصر، باروی شهر مشهد بود و هنوز هم می‌شود رد و نشان آن را در برخی نقاط شهر ولو با یک اسم معمولی یافت.

در منطقه بالاخیابان، کوچه‌ای وجود دارد که قدیمی‌ها به آن «پی‌بَره» می‌گویند که در واقع همان «پی‌باره» به معنای «کنار باروی شهر» است و نشان می‌دهد که در روزگاری نه چندان دور، این کوچه در مجاورت باروی معروف دوره صفوی قرار داشت. باروی جدید، یاد باروی قدیم را که حاصل ارادت خاندان کاکویه به اهل‌بیت(ع) بود، از خاطر مردم برد؛ اما عمل نیک هیچ گاه در این عالم گم نمی‌شود و تلاش محققان و پژوهشگران نیز ثبت این اقدام در کتاب‌های تاریخی، پرده از راز باروی قدیمی شهر و خدمت خاندان کاکویه برداشت.

منبرمجازی

مرگ‌اندیش باش

برای رشد و تربیت انسان هیچ عاملی به اندازه یاد مرگ سازنده نیست. یک نمونه‌اش، هشت سال جنگ تحمیلی. چی موجب شده بود این قدر فداکاری، گذشت، رأفت، اخلاق خوش و رعایت حقوق بین رزمنده‌ها دیده بشه؟ جز این بود که دائم خودشون رو در معرض مرگ می‌دیدن؟ کسی که دائم خودش رو در معرض مرگ ببینه، طبیعیه که سبکبار باشه. کسی که می‌دونه از پس امروز فردایی هست، اعمال و اخلاقت درست می‌شه... در وصف یاران حضرت ولی‌عصر(عج) چه زمان ظهور و چه زمان غیبت آمده که تمنای شهادت دارن، یعنی تعلقات ندارن... البته تمنای شهادت این نیست که همین الان برن و شهید بشن. یعنی وابسته نیستن و یاد مرگ این سبکباری رو ایجاد می‌کنه. ازاین‌رو عرفای ما وقتی که می‌خوان به شاگرداشون دستورالعمل بدن، یکی از دستوراتشون مرگ‌اندیشی است... برای مثال آیت‌الله «جمال‌گلپایگانی» که از عرفای بزرگ بود، تا زمانی که در اصفهان حضور داشت و شاگرد برخی عرفای آن زمان بود، استادنش به او توصیه کرده بودن شب جمعه‌ها به قبرستان برو، نه اینکه فقط فاتحه بخونی و برگردی- البته الان نمی‌خوایم این نسخه رو برای همه بیپچیم- به او گفته بودن در قبرستان بنشین و درنگ کن. ایشون زمانی که به نجف هم رفت همین گونه بود. خیلی به وادی‌السلام و زیارت قبور می‌رفت و بعد در زمینی که قبری در آن نبود می‌نشست... همون زمین بعدها قبرش شد!

برخی می‌گفتن ایشون ارواحی رو که آنجا بودن توی مکاشفاتش می‌دید... می‌گفت برخی از اون ارواح با وضعیت زنده‌های به ستم آمدن، بعضی‌ها رو شناختم... متکبرانی بودن که وقتی از آخرت برایشان می‌گفتم مسخره می‌کردن، اما الان التماس می‌کردند که تو فرزند رسول خدا(ص) هستی ما در فشار هستیم برایمان دعا کن...

این توصیه عرفاست که مرگ‌اندیشی داشته باشین. شاید از مهم‌ترین عوامل تربیتی همین مسئله مرگ‌اندیشی باشه. یعنی در سبک زندگی یکی از مهم‌ترین راهکارهای درمان ویروس‌هایی مثل دنیاطلبی، اسراف، اشرافی‌گری، تجمل‌طلبی، حسد و... توجه به مرگ و یاد کردن از مرگ است. اینکه بدونیم دنیا فانی است و ما چند صباحی در اون مهمون هستیم. برای هر کسی بالاخره این مهمانی در روز و ساعتی به پایان می‌رسه، پس چه بهتر که سبکبار کنیم.



